

**Internal political obstacles to the realization of Islamic unity in Pakistan
from 1977 to 2020**

Ghulam Shabir Naeem¹/ Seyed Reza Mahdinejad²

(DOI): [10.22034/MTE.2023.14360.1656](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.14360.1656)

Abstract

Original Article

P 90 - 112

Zia-ul-Haq's Islamization program and instrumental use of extremist groups in the Afghanistan war in the late 1980s are the starting point of Sunni-Shia conflicts in Pakistan. As a result of these policies, extreme sectarianism spread in this country, and the actions of politicians and soldiers severely affected Sunni and Shia unity and created many obstacles in the way of its realization. The present study, with historical method and approach, aims to investigate the political obstacles to the realization of unity in Pakistan. Knowing these obstacles can make the followers of the Islamic sect aware of the political intentions behind the scenes and divisiveness and prevent them from extreme sectarianism and lead them towards unity.

The findings of the research show that there are many political obstacles in the way of realizing Islamic unity. The most important of these obstacles are: using religion as a tool for political purposes, creating sectarian identities, financial and military support from extremist groups, excessive expansion of religious schools and lack of supervision, mismanagement of Afghan immigrants.

Key words: Islamic unity, Pakistan, political obstacles, Islamization, extremist groups.

1 - Ph.D. student of Islamic History and Civilization Complex, Al-Mustaf International University, Pakistan
(ghalam_shobirnaeim@miu.ac.ir)

2 - Department of Civilization and Contemporary History, Islamic History and Civilization Complex ,Al-Mustafa
International University, qom, Iran. (sr_mahdinejad@miu.ac.ir)

Received: 2022/06/27 | Accepted: 2023/03/18



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان از سال (۱۹۷۷ تا ۲۰۲۰م)

غلام شبیر نعیم (نویسنده مسئول) ^۱ | سید رضا مهدی نژاد ^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2023.14360.1656](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.14360.1656)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۱۲/۹۰

چکیده

برنامه اسلامی سازی ضیاء الحق و استفاده ابزاری از گروه های افراطی در جنگ افغانستان در اواخر دهه ۱۹۸۰م، نقطه آغاز درگیری های سنی و شیعه در پاکستان به شمار می رود. در نتیجه این سیاست ها، فرقه گرایی افراطی در این کشور گسترش یافت و اقدامات سیاستمداران و نظامیان، وحدت سنی و شیعه را به شدت متأثر ساخت و موانع بسیاری در مسیر تحقق آن ایجاد نمود. پژوهش حاضر، با روش و رویکرد تاریخی در صدد بررسی موانع سیاسی تحقق وحدت در پاکستان است. شناخت این موانع می تواند پیروان فرق اسلامی را با اراده های سیاسی پشت صحنه و تفرقه افکنی ها آگاه ساخته و آنان را از فرقه گرایی افراطی بازداشته و به سوی وحدت سوق دهد. یافته های پژوهش نشان می دهد که موانع سیاسی متعددی در راه تحقق وحدت اسلامی وجود دارد. مهم ترین این موانع، عبارت اند از: استفاده ابزاری از مذهب برای اهداف سیاسی، هویت سازی فرقه ای، پشتیبانی مالی و نظامی از گروه های افراطی، گسترش بی رویه مدارس دینی و عدم نظارت بر آن، سوء مدیریت در مهاجران افغانی.

واژگان کلیدی: وحدت اسلامی، پاکستان، موانع سیاسی، اسلامی سازی، گروه های افراطی.

۱ - دانشجوی دکتری مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، پاکستان.
(ghalam_shobirnaeim@miu.ac.ir)

۲ - گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران.
(sr_mahdinejad@miu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷



مقدمه

اختلاف و تنازع بین شیعه و اهل سنت، اگرچه پیشینه‌ای طولانی دارد، اما در دوره کنونی تبدیل به مهم‌ترین مسئله جهان اسلام گردیده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر ریخته شدن خون هزاران مسلمان که بسیاری از آنان نیز بی‌گناه هستند، پیامدهای سیاسی و اجتماعی بسیاری نیز به دنبال داشته و هزینه‌های سنگین اقتصادی را نیز بر دوش مسلمانان و دولت‌های اسلامی بار نموده است. یکی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی که در دوره معاصر درگیر اختلافات مذهبی بوده و شاهد شدیدترین و خشن‌ترین درگیری‌ها بین اهل سنت و شیعه بوده، پاکستان است.

تاریخ پاکستان نشان می‌دهد که تا پیش از دهه هفتاد میلادی، وحدت و همزیستی سنی و شیعه در این کشور، مثال‌زدنی بوده است و اهل سنت و شیعیان، نه تنها به دلیل اختلافات مذهبی خود با یکدیگر چندان درگیر نمی‌شدند، بلکه حتی در مراسم مذهبی همدیگر شرکت نموده و با هم همکاری می‌کردند؛ اما این وحدت و همبستگی، در اواخر دهه ۱۹۸۰م به شدت آسیب دید و فرقه‌گرایی گسترش یافت و کشت و کشتارها بر اساس هویت‌های فرقه‌ای آغاز شد که متأسفانه این وضعیت تاکنون ادامه دارد. در نتیجه، علاوه بر تضعیف پاکستان، بر جهان اسلام نیز تأثیرات بسیار منفی بر جای گذاشت. اگرچه قبل از دهه هفتاد درگیری‌های کوچک رخ می‌داد، ولی به هیچ وجه، منجر به کشت و کشتار نمی‌شد؛ حتی شیعه و سنی در نهضت پاکستان نیز با هم بودند و هر دو رهبری قاید اعظم، محمدعلی جناح را که شیعه بود، قبول داشتند (رستگارودیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۳).

تحقیق حاضر، با روش و رویکرد تاریخی، در صدد پاسخ به این پرسش است که موانع سیاسی موجود در مسیر تحقق وحدت اسلامی در پاکستان کدام‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش، شواهدی از تاریخ سیاسی و مذهبی پاکستان (از ۱۹۷۷ تا ۲۰۲۰م) ارائه خواهد شد که نشان دهد چگونه سیاست‌ها و مواضع دولت‌های حاکم، به ویژه سیاست‌های ارتش، همچنین سیاست‌های برخی کشورهای خارجی، پاکستان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته و فرق اسلامی را در مقابل یکدیگر قرار داده و موانع جدی در تحقق وحدت اسلامی ایجاد شده است. مراد از وحدت در این تحقیق، حرکت به سوی منافع مشترک با حفظ عقاید و باورهای مذهبی خود است.

ادبیات تحقیق

موضوع وحدت اسلامی، در پاکستان مورد توجه نویسندگان بسیاری بوده است و در این باره،

شبیرو مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۹۳

کتاب‌های بسیاری نوشته شده است؛ از جمله کتاب‌هایی که در زبان اردو نوشته شده، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- *شیعه سنی اتحاد*، تألیف مولانا فضل احمد غزنوی (م. ۱۹۸۶م)؛
- *اتحاد مسلمین احتیاج امروز*، تألیف مولانا عبدالستار خان نیازی (۱۹۱۵-۲۰۰۱م)؛
- *وحدت امت*، تألیف مفتی محمد شفیع (۱۸۹۷-۱۹۷۲م)؛
- *امت مسلمه عبرت‌انگیز حال*، درخشان مستقبل، تألیف الحاج ظهور الحسن؛
- *وحدت امت*، تألیف مولانا محمد اسحاق فیصل آبادی (۱۹۳۵-۲۰۱۳م)؛
- *اختلاف، رحمت است؛ فرقه‌گرایی، حرام*، تألیف مولانا مفتی محمد رفیع عثمانی؛
- *اتحاد امت چگونه امکان‌پذیر است؟*، تألیف پروفیسور حبیب‌الله چشتی؛
- *فرقه‌بندی را چگونه می‌توان از بین برد؟*، تألیف دکتر محمد طاهر القادری (فرمان‌الله و اکرام‌الله، ۲۰۱۷: ۱۳۱).

در این کتاب‌ها که عمدتاً توسط علمای اهل سنت به نگارش درآمده، با توجه به آموزه‌های اسلامی، بر وحدت سنی و شیعه تأکید شده؛ اما به موانع سیاسی تحقق وحدت اسلامی اشاره‌ای نشده است. در زبان فارسی، برخی مقالات در باره بنیادگرایی، فرقه‌گرایی و کشتار شیعیان در پاکستان نوشته شده است؛ برای نمونه می‌توان به مقالات ذیل اشاره نمود:

- «عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، نوشته حسین مسعودنیا و داوود نجفی (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۸۳)؛
 - «کشتار سازمان‌یافته شیعیان پاکستان (عوامل، اهداف، بازیگران)»، نوشته رحمان نجفی و عباس علی پور (نجفی و علی پور، ۱۳۹۲: ۱۱۰)؛
 - «آسیب‌شناسی نقش شیعیان در پاکستان؛ با تأکید بر حزب مجلس وحدت مسلمین»، نوشته اسماعیل باقری (باقری، ۱۳۹۳)؛
 - «بررسی انتقادی موانع همگرایی در یک قرن اخیر جهان اسلام»، نوشته سید آصف کاظمی و عبدالوهاب فراتی (کاظمی و فراتی، ۱۴۰۱).
- اما در مورد موانع سیاسی داخلی وحدت اسلامی در پاکستان، کاری مستقل صورت نگرفته است.

در زبان انگلیسی هم کتب و مقالات بسیاری نوشته شده است که در آن عمدتاً عوامل فرقه‌گرایی، نقش گروه‌های جهادی در فرقه‌گرایی و گسترش افراط‌گرایی در پاکستان مورد بررسی قرار گرفته است؛

به طور نمونه، به چند اثر ذیل می‌توان اشاره کرد:

- کتاب فراسوی سپاه‌ها، جیش‌ها و لشکرها؛ خشونت‌های فرقه‌ای در پاکستان و تکثیر انحصاری آن در گفتمان فرقه‌گرایی، تألیف کاتجا ریکنون^۱ (riikonen, 2012).

- کتاب **پاکستان یک کشور سخت**: نویسنده در این اثر، تحولات بنیادگرایی و رسوخ آن در سیستم پاکستان را ذکر کرده است (lieven, 2012).

- کتاب **حرکت پاکستان به سوی افراط‌گرایی: الله، ارتش و جنگ آمریکا علیه تروریسم**: حسن عباس در این کتاب، گسترش افراط‌گرایی مذهبی در پاکستان و تغییرات در ارتباط پاکستان و آمریکا را مورد بررسی قرار داده است (Abbas, 2015).

- مقاله «فرقه‌گرایی و سیاست‌های شیعه در پاکستان ۱۹۷۹ تا حال»، نوشته ولی نصر (nasar, 1999). در تحقیقات مذکور، به موانع سیاسی تحقق وحدت اسلامی در این کشور، چندان توجهی نشده است؛ اما از آنجا که عوامل تفرقه و موانع وحدت، دو روی یک سکه‌اند، با تحقیق حاضر ارتباط پیدا می‌کنند. پژوهش پیش‌رو، در صدد شناخت موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان می‌باشد و در مقاله‌ای دیگر، موانع خارجی را بررسی خواهیم نمود.

موانع سیاسی داخلی وحدت اسلامی در پاکستان

اختلافات و درگیری‌های خشونت‌بار فرقه‌ای مذهبی که در چند دهه اخیر به شدت در پاکستان گسترش یافته، معلول دو دسته از عوامل داخلی و خارجی است؛ اما به نظر می‌رسد، زمینه‌ها و عوامل داخلی در این جهت، نقش پررنگ‌تری دارد. از این‌رو، در این مقاله به بررسی و تحلیل این دسته از عوامل، و به طور مشخص، عوامل سیاسی این اختلافات و موانعی که در مسیر تحقق وحدت اسلامی در این کشور قرار دارد، پرداخته می‌شود. تا پیش از کودتای نظامی ضیاءالحق، پیروان فرقه‌های مختلف اسلامی در پاکستان زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند، اما پس از آن، روند حوادث دگرگون شد و سیاست‌ها و اقدامات ضیاءالحق و دولت‌های بعدی، به وحدت شیعه و سنی آسیب‌های فراوانی وارد کرد. مهم‌ترین موانع سیاسی داخلی وحدت اسلامی در پاکستان، به همین موضوع، یعنی نقش دولت‌ها و نظامیان باز می‌گردد که در ادامه، به آن پرداخته می‌شود.

^۱ beyond the sipahs,jaishs,and lashkars sectarian violence in pakistan as reproduction of exclusivist sectarian discourse.

۱. استفاده ابزاری از مذهب برای اهداف سیاسی

بهره‌برداری ابزاری از مذهب برای رسیدن به قدرت و حفظ آن، بزرگ‌ترین مانع سیاسی تحقق وحدت در پاکستان است. نظامیان و سیاستمداران، منافع سیاسی خود را بر منافع کشور و ملت ترجیح داده و با استفاده ابزاری از مذهب، آسیب‌های جدی به وحدت اسلامی وارد کردند. تا پیش از حاکم شدن این سیاست، هرچند سنی و شیعه اختلافاتی داشتند، اما این اختلاف‌ها اغلب جنبه خشونت‌آمیز نداشت و به کشت و کشتار منجر نمی‌شد. سنی و شیعه تا اواخر دهه هفتاد، روابط غیرخصمانه داشتند و در کنار هم با آرامش و دوستانه زندگی می‌کردند و اگر شیعه در سیاست کشور شرکت می‌کرد، بر احساسات مذهبی سایر فرق تأثیر منفی نمی‌گذاشت (Ahmed, 2003: 57; Abbas, 2010: 5).

ژنرال‌های پاکستانی و بیش از همه ضیاء الحق، همواره از اسلام‌گرایان استفاده ابزاری کرده‌اند. ضیاء الحق که با کنار گذاشتن ذوالفقار علی بوتو، قدرت را به دست گرفته بود، به شدت به کسب مشروعیت نیاز داشت. وی برنامه اسلامی‌سازی را بهترین وسیله برای حفظ قدرت خود می‌دانست. به همین دلیل، به رهبران دینی سنی نزدیک شد و آنان را در دستگاه‌های دولتی وارد نمود. همچنین، اسلام‌گرایان افراطی را در دادگاه‌ها، مدارس دولتی و رسانه رسوخ داد (Mukherjee, 2010: 343). در جریان انتخابات ۱۹۷۷م، وقتی حزب ذوالفقار علی بوتو پیروز شد، ائتلاف اتحاد ملی، متشکل از ۹ حزب سیاسی و مذهبی، از جمله جماعت اسلامی و جمعیت علمای اسلام که بیشترین کمک را در کودتا به او کردند، تظاهرات راه انداخت و بوتو را به تقلب متهم کرده، نتایج انتخابات را نپذیرفت و خواستار برکناری او شد. در این فضا، جمعیت علمای پاکستان مطالبه برپایی نظام مصطفی^۱ را مطرح کرد که این موضوع، به تظاهرات جان‌بخشید. آنها می‌گفتند راه حل همه مشکلات کشور، اجرای نظام مصطفی است (ترمذی، ۲۰۰۴: ۳۱).

در این وضعیت، ذوالفقار علی بوتو نیز سعی کرد از مذهب استفاده ابزاری نموده، قدرت خود را حفظ کند؛ اما با وجود برخی اقدامات مانند: تعطیلی روز جمعه و تأسیس شورای ایدئولوژی اسلامی، نتوانست حمایت اسلام‌گرایان را جلب کند. طرفداران ضیاء الحق از تظاهرات دست برداشتند و سرانجام در ۵ جولای ۱۹۷۷م وی قدرت را به دست گرفت (همان: ۳۹) او به مدت ۱۱ سال با استفاده ابزاری از مذهب، قدرت خود را حفظ نمود. اگرچه بعد از کودتا گفته بود هدف سیاسی ندارد و در ظرف سه ماه انتخابات را برگزار می‌کند؛ اما مدام انتخابات را تأخیر می‌انداخت و هدف اصلی

^۱. یعنی نظام اسلامی که الگوی آن، دولت پیامبر اسلام (ص) باشد.

خویش را اسلامی سازی کشور عنوان می کرد (haqqani, 2005: 112).

ضیاء الحق بعد از کودتا، بوتو را به دار آویخت و برنامه اسلامی سازی را اجرا کرد و نهادها و قوانین بسیاری را تغییر داد. از سال ۱۹۷۷م تا زمان مرگ خود، طی فرمان های حکومتی متعدد، قوانین فراوانی در بخش های سیاسی، فرهنگی، دینی، اقتصادی، قضایی و آموزشی اجرا کرد؛ مانند نظام: صلوة، عشر و زکات، آموزش. در نظام زکات، به بانک ها مجوز داده شد که از دارایی های مردم به اجبار زکات بگیرند (burky, 1991: 35). در برنامه اسلامی سازی، به جای اینکه اصول اسلامی مانند: مساوات، برابری، عدالت اجتماعی و مردم سالاری را پیاده کند، برای مشروعیت دولت خود، آن برنامه را بر مردم تحمیل نمود. در نتیجه، اختلاف های فرقه ای از سر گرفته شد (Waseem, 2010: 38). تبلیغات سیاسی او از ایدئولوژی اسلامی، به بافت اجتماعی جامعه پاکستان صدمه زد و تفرقه را به راه انداخت (noman, 1988: 146).

ضیاء الحق، برنامه اسلامی سازی را طبق فقه اهل سنت تنظیم کرد. در نتیجه، اقلیت های کوچک بیگانه شدند و دولت فقط فرقه دیوبندی را مورد حمایت ویژه قرار داد (Waseem, 2010: 39). بعد از اعلام گرفتن زکات اجباری در سال ۱۹۸۰م بیش از ۵۰ هزار^۱ نفر از شیعیان، پارلمان را محاصره کرده و درخواست کردند که دولت اجازه دهد در این مورد، ما طبق فقه خودمان عمل کنیم (Abbas, 2002: 7). سید ارشاد احمد ترمذی، یکی از فرمانده های آی.اس.آی (ISI)^۲ توانست رهبر شیعیان، مفتی جعفر حسین (۱۹۱۴-۱۹۸۳م) را برای مذاکره با دولت آماده کند. شیعیان در مذاکرات پیروز شدند و ضیاء الحق پذیرفت که در مورد زکات، شیعیان می توانند طبق فقه خود عمل کنند (ترمذی، ۲۰۰۴: ۲۸۵). ترمذی در کتاب خود می نویسد: «رئیس ارتش در طی تماسی به وی گفت که مطالبات شیعیان درست است؛ اما آنان راه افراطی را پیش گرفته اند» (همان: ۲۷۷). استفاده از کلماتی مانند راه افراطی از طرف رئیس آی.اس.آی، قابل توجه است.

اگرچه شیعیان در دستیابی به مطالبه خود موفق شدند، اما دولت و آی.اس.آی بعد از اتمام محاصره پارلمان توسط شیعیان، برای آنان برنامه هایی داشت و اتفاقات بعدی، این مطلب را تأیید می کند. بعد از این ماجرا، ضیاء الحق در صدد محدود کردن فعالیت های شیعیان برآمد. برای نیل به این هدف، نهادهای اطلاعاتی او در ۱۹۸۵م حق نواز جنهگویی (۱۹۵۲-۱۹۹۰م) را که در آن زمان نایب رئیس جمعیت علمای اسلام ایالت پنجاب بود، مورد حمایت قرار دادند، تا برای مقابله با شیعیان،

۱. برخی تا صد هزار هم نوشته اند.

۲. سازمان اطلاعات نظامی پاکستان.

شبیرو و مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۹۷

گروهی به نام «سپاه صحابه» تشکیل دهد. جهنگوی در شهر خود جهنگ که در آن فئودال‌های شیعه دارای جایگاه سیاسی می‌زیستند، علیه مذهب شیعه عملیات تبلیغاتی خطرناکی را شروع کرد. تعداد زیادی از تاجران کوچک و کشاورزان فقیر، در تبلیغات او شرکت کردند و آن را به نهضت تبدیل نمودند. جهنگوی، از فضای شکاف طبقاتی استفاده کرد و آن را به سوی فرقه‌گرایی سوق داد (Abbas, 2010: 35). پیروزی شیعیان، بازتاب‌های دیگری نیز داشت و بسیاری نسبت به نام حزب شیعیان (نهضت اجرای فقه جعفری در پاکستان) نیز حساس شدند. آنها می‌گفتند شیعه به دنبال سيطرة اجرای فقه خود بر اکثریت اهل سنت پاکستان است (rafiq, 2014: 16). درست است که رهبران شیعه در انتخاب اسم این حزب دقتی نداشته و بعدها متوجه این اشتباه شدند، به همین دلیل، رهبر فعلی شیعیان، علامه ساجد علی نقوی (متولد ۱۹۴۰م)، در سال ۱۹۹۳م نام آن را از نهضت اجرای جعفریه به «نهضت جعفریه» تغییر داد (Abbas, 2010: 37)؛ اما واقعیت این است که شیعیان تنها در پی اجرای فقه جعفری برای خود بودند، نه دیگران. برخی دیگر، نهضت اجرای فقه جعفری را هم جزء گروه‌هایی ذکر کرده‌اند که در فرقه‌گرایی نقش داشته است (mufti, 2010: 25)؛ درحالی‌که چون ضیاء الحق با احکام دولتی به دنبال تحمیل فقه اهل سنت بر شیعیان بود، در این وضعیت، شیعیان برای حفظ حقوق خود تلاش کردند و هیچ نقشی در فرقه‌گرایی نداشته‌اند. یکی از بنیادی‌ترین وظایف دولت، تأمین امنیت برای همه شهروندان است که از زمان ضیاء الحق تاکنون، شیعیان از امنیت کافی بهره مند نبوده‌اند. دوران ضیاء الحق، برای شیعیان سخت‌ترین دوران بوده است؛ آنان کشته می‌شدند؛ اما نهادهای دولتی هیچ واکنشی نشان نمی‌دادند.

بعد از مرگ ضیاء الحق، دولت و ارتش استفاده ابزاری از مذهب را ادامه داد. بین ارتش و اسلام‌گرایان، همیشه پیوندی نزدیک برقرار بوده و برای رسیدن به قدرت، همواره از این پیوند استفاده می‌شده است. هنگامی که نیروهای دموکراتیک می‌خواستند برنامه‌های اسلامی‌سازی ضیاء الحق را تغییر دهند، پیروان وی به رهبری نواز شریف، ائتلاف «اتحاد جمهوری اسلامی» را تشکیل دادند تا مانع حزب مردم شوند. در این اتحاد، حزب جمعیت علمای اسلام، جمعیت علمای پاکستان و جماعت اسلامی شرکت داشتند (نصر، ۲۰۰۴: ۲۶). رییس اسبق آی.اس.آی، بعدها اعتراف کرد که او در پشت صحنه تشکیل اتحاد جمهوری اسلامی بوده است (dawn, 2012). در این گونه احزاب مذهبی، عناصر فرقه‌گرا وجود داشتند که با کمک ارتش و سیاستمداران، فرقه‌گرایی را گسترش داده و حتی مخالفان را می‌کشتند. بعد از پیروزی نواز شریف در انتخابات ۱۹۹۷م نیز ارتش از گروه‌های جهادی استفاده ابزاری کرد. ارتشی‌ها که در صدد بودند او را از قدرت پایین بیاورند، نیروهای جهادی را در

کشمیر فعال کرده، افراط‌گرایی و خشونت‌گرایی را در کشور گسترش دادند (zahra, 2018: 15).

ژنرال پرویز مشرف (دوران حکومت: ۱۹۹۹-۲۰۰۸م) نیز که با کودتا علیه نواز شریف به قدرت رسید، به این نتیجه رسیده بود که همان‌طور که اسلام‌گرایی در افغانستان کارآمدی بیشتری داشته است، در پاکستان نیز تندروی می‌تواند برای کنترل بهتر سیاست کارآمدی داشته باشد. در زمان او نیز در پاکستان، به گروه‌های جهادی تندرو، به عنوان سرمایه استراتژیک نگاه می‌شد (نصر، ۲۰۰۴: ۲۸). مشرف در انتخابات ۲۰۰۲م، جبهه متحده عمل را برای حذف حزب مردم و مسلم لیگ از صحنه انتخابات، مورد حمایت قرار داد؛ چون نسبت به آن، از احزاب اسلامی نگرانی کمتری داشت. به نظر او، ارتش می‌توانست از احزاب اسلامی به سود خود بهره‌برداری کند. به همین دلیل، ارتش امید داشت که بین جبهه عمل متحد اختلافاتی وجود داشته باشد تا بتوان به راحتی بر آنان حکومت کرد. شدیدترین نمونه استفاده ابزاری از مذهب، هم‌پیمانی مشرف با اعظم طارق، رییس سپاه صحابه بود (همان: ۳۱ و ۳۰).

بنابراین، از زمان ضیاء الحق (۱۹۷۷م) تا ۲۰۱۰م، از این گروه‌های افراطی استفاده ابزاری می‌شد؛ اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، با توجه به فشارهای بین‌المللی، ارتش نتوانست از افراطی‌ها استفاده استراتژیک کند (مسعود، ۲۰۰۹: ۱۷). این امر، موجب ناراحتی گروه‌های افراطی شد و برخی از آنها با دولت درگیر شدند. با وجود این، ارتش همواره در سیاست داخلی و خارجی از اسلام‌گرایان استفاده کرده است. روابط ارتش و اسلام‌گرایان، «آخوند، ارتش، اتحاد» خوانده می‌شد که از دهه‌های قبل وجود داشته است. در ۲۰۱۲ میلادی هم برای جلوگیری از کمک ناتو از راه پاکستان، به پشتیبانی ارتش ائتلافی به اسم «پاکستان دفاع کونسل» تشکیل شد که در سراسر کشور علیه آمریکا تظاهرات راه انداخت. در این ائتلاف، بیش از ۴۰ گروه مذهبی و نظامی وجود داشت که در میان آن، حتی گروه‌های مانند سپاه صحابه نیز حضور داشتند.

جنبش مذهبی «تحریک لبیک» (تأسیس در ۲۰۱۷م) نیز در سال‌های اخیر در بروز فرقه‌گرایی در پاکستان تأثیرات بسیاری داشته است. این جنبش روی دو موضوع، یعنی «مسئله اهانت پیامبر (ص) و خاتمیت آن حضرت» تأکید دارد. به نظر رهبر این گروه، هرکس مرتکب اهانت پیامبر (ص) شد، باید کشته شود (jazib, 2021: 44). به دست آوردن جایگاه و مقامات ویژه در زمان کوتاه، احتمال پشتیبانی ارتش از این جنبش را قوی کرده است. در سال ۲۰۱۷ میلادی، زمانی که این جنبش علیه حکومت نواز شریف تظاهراتی راه انداخت، یکی از ژنرال‌های ارتش بین شرکت‌کنندگان تظاهرات پول تقسیم می‌کرد که تصاویر آن در فضای مجازی منتشر شد (dawn, 2017). برخی بر این نظر هستند که چون ارتش در صدد است برای مهار طالبان پاکستانی از جنبش لبیک استفاده کند، از آن پشتیبانی می‌کند.

شبیر و مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۹۹

وساطت و ضامن شدن ژنرال‌ها بین حکومت نوازشریف و جنبش لبیک نشان می‌دهد که آنان به دنبال رسمیت دادن به این جنبش بودند (seva, 2018). این جنبش، خشونت را علیه فرقه‌های اسلامی و همچنین علیه مذاهب دیگر مانند مسیحیت، در پاکستان گسترش داده است (jazib, 2021: 49). کارشناس امور نظامی و مؤلف کتاب *اقتصادیات ارتش پاکستان* هم بر این نظر است که ارتش از رهبر جنبش لبیک مولانا خادم حسین رضوی (۱۹۶۶—۲۰۲۰م) پشتیبانی می‌کند. به نظر او، در شرایط موجود نمی‌شود از گروه‌های افراطی مسلح استفاده شود. به این دلیل، شخصیتی مثل مولانا خادم حسین رضوی را بزرگ کردند؛ چون زبان او سلاح بود و مخالفان را با زبان سخت می‌کوبید. او برای زنده نگه داشتن جوش و خروش و شور مذهبی، چون ابزاری مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، مسئله ختم نبوت، ابزار مذهبی قرار داده شد (siddiq, 2020).

واقعیت این است که احزاب بزرگ سیاسی نیز به دلیل کمک خواستن از گروه‌های نظامی، در تقویت این جریان‌ها و گسترش افراطگرایی و تفرقه میان شیعه و سنی مقصرند. احزاب برای جذب رأی در انتخابات، دست نیاز به سوی آنان دراز نموده و در مقابل حمایت آنان، معامله می‌کردند (tankel, 2016: 21)؛ به عنوان نمونه، حزب مردم در انتخابات ۱۹۹۵م، به دلیل نیاز به رأی «شیخ حاکم علی»، یکی از رهبران برجسته سپاه صحابه در ایالت پنجاب، نام وی را برای وزارت ماهیگیری پیشنهاد داده بود (Abbas, 2010: 42). مسلم لیگ (ق) و مسلم (ن) هم در انتخابات ۲۰۰۸م از گروه‌ها و نیروهای مذهبی استفاده سیاسی کردند. شهباز شریف، خیلی از زندانیان سپاه صحابه را آزاد کرد تا از این طیف در انتخابات رأی بگیرد (bbcurdu, 2020). در انتخابات ۲۰۰۸م، یکی از رهبران مسلم لیگ (ن)، رانا ثاللا^۲، به مرکز سپاه صحابه در شهر جهنگ رفت و با رهبران آن ملاقات کرد. در برابر قبر حق نواز جنهگوی و تروریست‌های لشکر جهنگوی حضور پیدا کرد و ادای احترام نمود (shrma and behera, 2014: 264). در سال ۲۰۱۰ میلادی، زمانی که طالبان در پاکستان در جریان بمب‌گذاری‌ها و عملیات انتحاری مردم را می‌کشند، شهبازشریف وزیر ارشد اسبق ایالت پنجاب^۳، در بیانیه‌ای از طالبان خواهش کرد که در ایالت پنجاب، فعالیت‌های تروریستی نداشته باشند (bbcurdu, 2010). از این بیانیه و لحن آن، به‌صراحت، روابط خوب دولت با طالبان برداشت می‌شد.

۱. شاخه قائد اعظم.

۲. شاخه نواز شریف.

۳. در حال حاضر، وزیر کشور است.

۴. وی در حال حاضر، نخست وزیر پاکستان است.

نمونه و شواهد ذکر شده نشان می‌دهد، نظامیان و سیاستمداران پاکستان به جای عمل به وظایف خود در راستای تأمین امنیت برای شهروندان، با استفاده ابزاری از مذهب و ترجیح منافع سیاسی خود بر منافع کشور و ملت، نه تنها به امنیت و وحدت جامعه آسیب وارد نموده، بلکه به جای برخورد با گروه‌ها و افرادی که امنیت ملی را تهدید کرده و می‌کنند، آنها را مورد حمایت خویش نیز قرار داده‌اند که این سیاست‌ها، مانع جدی در تحقق وحدت اسلامی ایجاد کرده است.

۲. هویت‌سازی فرقه‌ای

در پاکستان به جای هویت اسلامی، به هویت فرقه‌ای تأکید می‌شود. ضیاء الحق، اولین کسی بود که در تاریخ پاکستان هویت اسلامی را به هویت فرقه‌ای تقلیل داد. او که با کودتا به قدرت رسیده بود، برای حفظ و تداوم قدرت به مشروعیت نیاز داشت. به همین دلیل، از اختلاف‌های موجود فرقه‌ای استفاده کرده، تلاش نمود تا هویت فرقه‌ای را مورد توجه قرار دهد. از این رو، یک فرقه خاص را مورد حمایت ویژه دولت خود قرار داد و در صدد بود تفسیر و فهم آن فرقه را بر همه فرقه‌ها تحمیل کند. اختلافات فرقه‌ای، ذاتاً بد یا مشکل‌ساز نیستند؛ بلکه زمانی مشکل‌زا می‌شوند که هویت‌های فرقه‌ای در برنامه‌های سیاسی قرار گیرد و بر این اساس، فرقه‌های دیگر طرد شوند (rikonin, 2012: 48). ضیاء الحق در برنامه‌سازی اسلامی خود، همین کار را کرد. او به جای آنکه هویت کلی اسلام را در نظر بگیرد، تلاش کرد هویت فرقه‌ای را برجسته کند و در صدد آن بود که تفسیر و فهم فرقه دیوبندی از اسلام را، به عنوان هویت اسلامی بر سایر فرقه‌ها تحمیل کند. در واقع، بعد از شکست ضیاء الحق در پروژه اسلامی‌سازی، فرقه‌گرایی مورد توجه دولت او قرار گرفت (haqqani, 2012). نتیجه این فرقه‌گرایی، آن بود که فرقی دیگر به شدت در محدودیت قرار گرفته و حتی به تدریج حذف گردند. در سال ۱۹۷۴م قادیانی‌ها توسط مجلس پاکستان رسماً کافر اعلام شدند (وسایا، ۲۰۰۰: ۱۹-۱۵). در ادامه این روند، در پی آن بودند که مجلس پاکستان، شیعیان را هم کافر اعلام کند. در سال ۱۹۹۲م، رئیس سپاه صحابه در پارلمان لایحه «ناموس صحابه» را ارائه داد که بر اساس آن، در پی تغییر ماده قانونی ۱۹۵ بودند. طبق این ماده، هرکس به پیامبر (ص) اهانت کند، مجازاتش اعدام است. هدف اصلی از این لایحه، آن بود که آزادی مذهبی شیعیان را محدود کنند (pinault, 2008: 68). سپاه صحابه به دنبال محدودیت آیین‌های مذهبی شیعیان، به ویژه مجالس عزاداری امام حسین (ع) بود. البته هدف اصلی آنان، اعلام رسمی کفر شیعه بود (hassan, 2011: 4-83). نویسندگانی که در باره فرقه‌گرایی و خشونت‌های مذهبی در پاکستان قلم‌فرسایی کرده‌اند، تقریباً همه بر این نظر هستند که

شبیرو مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۱۰۱

دولت، گروه‌های شبه‌نظامی را برای کشت‌و‌کشتار شیعیان آزاد گذاشته بود. یکی از محققان می‌نویسد: گروه‌های فرقه‌گرا که در کشت‌و‌کشتار دست دارند، از طرف خود دولت اداره می‌شوند و احزاب مادر این گروه‌ها، رسماً در سیاست پاکستان فعال هستند (talbot, 2005).

دولت پاکستان، به جز چند مورد، نسبت به کشتار شیعه واکنشی نشان نمی‌داد و واکنش مسئولان دولت، از بیانیه‌های کلیشه‌ای پیش نمی‌رفت. برای اینکه هویت مذهبی شیعه را محو کنند، به مجالس عزاداری حمله کرده و صدها نفر را با خاک و خون یکسان می‌کردند (rikonin, 2012: 242). تعداد بسیاری از فعالان شیعه، به دست فرقه مخالف کشته شدند. البته در مواردی، گروه مسلح سپاه محمد هم در واکنش، برخی مخالفان خود را به قتل رساند (mei, abbas: 58-60). سپاه صحابه و لشکر جهنگوی، با کمک‌های عربستان خیلی قوی شدند؛ تا این حد که سپاه صحابه در ۱۷ کشور خارجی شعبه زد و با گروه‌های تروریستی مانند القاعده و طالبان ارتباطی برقرار کرد. گروه‌های افراطی به دنبال این بودند که پاکستان به طور رسمی، سرزمین سنی‌نشین اعلام شود. اعظم طارق در سال ۲۰۰۰م در کراچی گفت: می‌خواهیم ۲۸ شهر پاکستان را به شهرهای الگوی اسلامی تبدیل کنیم. سپاه صحابه به این حد قوی شده بود که اعظم طارق در سال ۱۹۹۹م به مسعود اظهر، رهبر جیش محمد، قول داد پانصد هزار جنگجو را برای آزادی کشمیر اعزام خواهد کرد (mei, Kamran, 2009: 68). در حال حاضر هم هدف اصلی و سیاست فرقه‌های اسلامی، گرد هویت‌های فرقه‌ای می‌چرخد و گروه‌های مختلف به دنبال حذف فرقه مخالف‌اند. این امر، به یک مانع جدی تحقق وحدت اسلامی تبدیل شده است.

۳. پشتیبانی مالی و نظامی دولت از گروه‌های تندرو و مسلح

در پاکستان، گروه‌های شبه‌نظامی بسیاری، با رویکردها و اهداف مختلف فعال‌اند. گروه‌های شبه‌نظامی، توسط ضیاء الحق در دهه ۸۰ تشکیل شدند، تا اهداف استراتژیک را در منطقه دنبال کنند. برخی از این گروه‌ها، تجزیه شدند و گروه‌های شبه‌نظامی جدید و مستقلاً را تشکیل دادند. همچنین، برخی گروه‌های خشونت‌گرا و فرقه‌گرا نیز به وجود آمدند و بعضی گروه‌های خارجی مانند القاعده و داعش نیز در حال حاضر، در این کشور فعال هستند (rana, 2018). دکتر عایشه صدیقه، بر این نظر است که گروه‌هایی مانند: القاعده، طالبان، جندالله، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و حرکت جهاد اسلامی، با توجه به اندیشه‌ها و باورهای مشترک، اهداف مشترک و یکسانی دارند. به این دلیل، نه تنها روابط تنگاتنگی دارند، بلکه برادر بکدیگر محسوب می‌شوند (siddiq, 2011). در اینجا

فقط به گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت نظامیان و سیاستمداران اشاره می‌شود که خشونت‌گرایی و فرقه‌گرایی را در کشور گسترش دادند.

بعد از حمله شوروی به افغانستان، ژنرال ضیاء الحق تصمیم گرفت به نیابت از آمریکا با شوروی بجنگد. در این جنگ، او به نفع آمریکا جهاد جهانی را اعلام کرد و آی.اس.آی پاکستان و سی.آی.آی آمریکا، از ۴۳ کشور بین صد تا پانصد هزار نفر از مجاهدان را آموزش نظامی دادند و از درون این آموزش‌ها، گروه‌هایی مانند: حرکت جهاد اسلامی، حرکت مجاهدین، جیش محمد، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و لشکر طیبیه به وجود آمدند (6: tankel, 2016). به نظر یکی از محققان معروف پاکستانی، گروه‌های شبه‌نظامی که ضیا الحق پدید آورده بود، امروزه نه فقط پاکستان، بلکه امنیت اکثر کشورهای اسلامی را تهدید می‌کنند (118: haqqani, 2005).

ضیاء الحق، علیه اقلیت شیعه از گروه‌های شبه‌نظامی حمایت می‌کرد. سپاه صحابه و پس از آن، لشکر جهنگوی، گروه‌های شبه‌نظامی بودند که بر ضد شیعیان اقدام نظامی می‌کردند. هنگامی که جیش محمد تشکیل شد، این گروه شبه‌نظامی هم دست به کشتار شیعیان زد. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی، مستقیم و غیرمستقیم از حمایت دولت‌ها بهره‌مند بودند. ژنرال پرویز مشرف، در یک برنامه تلویزیونی اعتراف کرد ما گروه‌هایی مذهبی را مسلح کرده، آموزش نظامی دادیم. او گفت: طالبان قهرمان ما بودند. حقانی، قهرمان ماست. اسامه بن لادن، قهرمان ماست (2015: dunyanews).

در دهه اخیر، لشکر جهنگوی در ایالت بلوچستان در شهر کوئته، صدها شیعه هزاره را به قتل رسانده است (24: tankel, 2016). ارتش از رهبر لشکر جهنگوی، ملک اسحاق، دو بار برای مذاکره با گروه‌های شبه‌نظامی دیگر استفاده کرد؛ یک بار در قضیه لال مسجد در سال ۲۰۰۷م، و یک بار دیگر در حملات شبه‌نظامیان به مراکز نظامی در سال ۲۰۰۹م (mir, 2011). در ازای آن، ارتش برای رهایی او از زندان کمک کرد. البته گفته می‌شود که در رهایی ملک اسحاق از زندان، دولت ایالت پنجاب نیز دخالت داشته است (Ibid).

نمونه دیگر حمایت‌های ارتش از گروه‌های شبه‌نظامی، اسامه بن لادن است که نزدیک به ۷ سال در این کشور زندگی می‌کرده است (2015: haqqani). خانم شمامه خالد، همسر یکی از افسران آی.اس.آی نوشته است که نواز شریف از اسامه بن لادن پول گرفته بود تا حکومت بی‌نظیر بوتو را سرنگون کند (نیادور، ۲۰۲۰). برخی می‌گویند طراح اصلی جذب کمک مالی، و در مقابل آن، پشتیبانی از مجاهدان عرب در پاکستان، خود ارتش پاکستان بوده است (حامد، ۲۰۲۰). نمونه دیگر، احسان‌الله احسان، یکی از رهبران طالبان پاکستان و از تروریست‌های بزرگ است که در سال

شبیرو و مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۱۰۳

۲۰۱۷م خود را تسلیم ارتش کرده بود؛ اما در ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰ از زندان فرار کرد. او یکی از طراحان حمله نظامی به مدرسه پیشاور بود که در آن، ۲۵۰ دانش‌آموز کشته شدند. از زمان تسلیم به ارتش تا فرار وی، هیچ محاکمه‌ای برای او برگزار نشد و سرانجام به‌راحتی از زندان فرار کرد (مجاهد، ۲۰۲۰). شواهد، حاکی از آن است که احسان‌الله احسان را خود ارتش فراری داده است. نخست‌وزیر اسبق پاکستان، عمران خان هم در حمایت از طالبان معروف است. به این دلیل، او را طالبان خان می‌خوانند (humnews, 2019). او در پارلمان، طی بیانیه‌ای، اسامه بن لادن را شهید خوانده بود (این‌دیبیندنت اردو، ۲۰۲۰).

در سوی مقابل و در واکنش به عملکرد خشن گروه‌های افراطی فوق، گروه‌های نظامی نیز توسط پیروان فرق مذهبی مانند شیعیان و بریلوی‌ها که هدف حملات گروه‌های مذکور قرار گرفته بودند، تشکیل شد. برخی از شیعیان هم گروه مسلح سپاه محمد را در سال ۱۹۹۳م تشکیل دادند. به گفته یکی از محققان، همسر بی‌نظیر (رییس‌جمهور اسبق علی زرداری)، با پول و سلاح این گروه را مورد حمایت قرار داد. این گروه هم در فرقه‌گرایی و کشت‌وکشتار نقش داشته است (rana, 2003: 453). برخی می‌گویند سپاه محمد، شاخه نهضت جعفریه بوده است؛ اما نهضت جعفریه همیشه فعالیت‌های خشن سپاه محمد را محکوم می‌کرده است (Abbas, 2016: 37). در دهه ۹۰، اهل سنت بریلوی نیز گروه مسلح «نهضت سنی» را تشکیل دادند؛ زیرا آنها از طرف گروه شبه‌نظامی مانند سپاه صحابه و لشکر جهنگوی، مورد حمله قرار می‌گرفتند (rana, 2003: 201).

همه گروه‌های شبه‌نظامی، تا یازده سپتامبر ۲۰۱۱م مورد حمایت ارتش بوده‌اند. البته در اواخر دهه ۹۰، علیه این گروه‌ها اقداماتی صورت گرفت؛ اما وقتی حکومت نواز شریف در سرکوبی آن کمی جدی شد، آنان بر او حمله کردند تا وی را ترور کنند؛ ولی بعد از ۱۱ سپتامبر، با فشار آمریکا بر پاکستان، اقداماتی علیه برخی گروه‌های شبه‌نظامی صورت گرفت. البته اکثر گروه‌ها با تغییر نام خود، فعالیت‌های تروریستی و فرقه‌گرایی را ادامه دادند. از جمله، سپاه صحابه نام گروه خود را از «ملت اسلامیة پاکستان»، به «اهل سنت و جماعت» تغییر داد (abbas, 2010: 9). سپاه صحابه و لشکر جهنگوی برای اینکه مشروعیت به دست بیاورند، گروه‌های خود را حزب سیاسی اعلام کردند (tankel, 2016: 24).

گروه‌های نظامی که در زمان جنگ افغانستان توسط ارتش پاکستان تأسیس شد، منبع مالی و تسلیحاتی آنان ارتش و آی.اس.آی بوده است. مؤلفان کتاب **گروه‌های نظامی جنوب آسیا** می‌نویسند ارتش و آی.اس.آی، نیازهای مالی و تسلیحاتی اکثر گروه‌های نظامی پاکستان، مانند

سپاه صحابه و لشکر جهنگوی را تأمین می‌کردند (sharma and behera: 163&264). ارتشی‌ها نیروهای جهادی را آموزش نظامی می‌دادند و نیازهای دیگر مالی آنان را تأمین می‌نمودند؛ حتی برخی گروه‌های نظامی از آی.اس.آی برای مخارج نیروهای خود، شهریه‌های ماهانه می‌گیرند. در مواردی، به اعطای میلیون‌ها دلار به برخی گروه‌ها گزارش شده است (Ibid: 264).

سؤال مهم این است که آیا در حال حاضر، حمایت‌های نظامیان و سیاستمداران از گروه‌های شبه‌نظامی و رویکرد فرقه‌گرایانه آنان، تغییر کرده است؟ بررسی اوضاع موجود، چنین موضوعی را نفی می‌کنند. محمد عامر رانا، متخصص گروه‌های شبه‌نظامی می‌گوید: اتفاقات تازه، حاکی از آن است که هیچ تغییر نکرده است. این گروه‌ها به دنبال یک اتفاق کوچک (سخنرانی مداح افراطی شیعه)، خودشان را فعال کردند و اگر این فعالیت‌ها ادامه یابد، اوضاع مانند دهه ۹۰ خواهد شد. از یک طرف، گروه‌های شبه‌نظامی فعال شدند و از سوی دیگر، گروه‌های شیعه هم در حال تقویت خود هستند که منجر به مشکلات بسیاری خواهد شد. او عملکرد حکومت را تملق‌گونه تعریف کرده، می‌گوید: حکومت از سنگینی اوضاع چشم‌پوشی می‌کند و این، بسیار خطرناک است و مشکلات جدی را پدید می‌آورد (رانا، بی.بی.سی اردو، ۲۰۲۰).

ذکر این نکته هم خالی از اهمیت نیست که اگرچه سیاستمداران برای گرفتن رأی در انتخابات، به گروه‌های شبه‌نظامی حمایت‌هایی کرده‌اند، اما این حمایت‌ها نسبت به حمایت و کمک‌های ارتش به این گروه‌ها، بسیار اندک است. در برخی موارد، شواهد فراوانی وجود دارد که سیاستمداران بر سر حمایت ارتش از گروه‌های شبه‌نظامی اختلافاتی داشتند. به همین دلیل، توسط ارتش از قدرت کنار گذاشته شدند. رئیس‌جمهور اسبق، آصف علی زرداری، در بیانیه‌ای برخی گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت ارتش (فعال در کشمیر) را تروریست خواند که بعد از آن، روابط ارتش با وی تیره شد (naz, kanwal, 2022: 90). همچنین، نواز شریف هم در جلسه‌ای اظهار کرد ما به دلیل حمایت گروه‌های شبه‌نظامی متهم می‌شویم و در سطح بین‌المللی داریم تنها می‌شویم. هنگامی که حرف‌های ایشان رسانه‌ای شد، ارتش از سخنان وی عصبانی شد و مشکلات بسیاری برای حکومت او پدید آمد (dawn, 2016).

با توجه به نمونه‌های ذکرشده می‌توان گفت تا زمانی که دولت پاکستان گروه‌های شبه‌نظامی را سرمایه‌استراتژیک تلقی کرده و به حمایت خود از آنان ادامه دهد، وحدت اسلامی در پاکستان اتفاق نمی‌افتد.

۴. گسترش بی‌رویه مدارس دینی و عدم نظارت بر آن

در برنامه اسلامی‌سازی ضیاءالحق، تأسیس مدارس دینی در اولویت قرار گرفت و بودجه هنگفتی برای این امر اختصاص داده شد. بودجه مدارس دولتی که علوم جدید را آموزش می‌دادند، به تأسیس مدارس دینی اختصاص داده شد. در نتیجه، هر روز بر تعداد مدارس دینی افزوده می‌شد. پیش از برنامه اسلامی‌سازی ضیاءالحق در پاکستان، فقط ۷۰۰ مدرسه دینی وجود داشت و رشد آن، ۳ درصد بود؛ اما در اواخر ۱۹۸۶م، این رشد به ۱۳۶ درصد رسید (rana, 2011: 85). در حال حاضر، تعداد مدارس دینی در پاکستان، به ۳۴۴۳۱ رسیده است که ۵۵۰ مورد آن، مربوط به شیعیان است و بقیه متعلق به سایر فرقه‌های اهل سنت. فرقه دیوبندی با تعداد ۲۱۵۶۵، بیشترین تعداد مدارس را دارد و دو میلیون و هشتصد هزار طلبه در این مدارس حضور دارند. البته تعداد دقیق مدارس دینی، از طرف دولت ارائه نشده است؛ اما در برخی منابع، تعداد مدارس دینی در ۲۰۱۲م، بیش از چهل هزار مورد هم گزارش شده است (yousaf, 2012). این روند، بعد از اعلام جنگ در افغانستان، توسط پاکستان شتاب بیشتری گرفت. پس از آن، آموزش نظامی در این مدارس آغاز شد و یکی از افسران اطلاعات پاکستان به نام «کرنل امام» مأمور شد افغانی‌ها و طلاب دینی مدارس پاکستان را آموزش نظامی دهد. مدرسه‌ای که گروه مسلح را بنیاد نهاد، «مدرسه علوم اسلامی» کراچی بود. طلاب آن مدرسه، بعدها به پیشاور رفته و «تنظیم حرکت جهاد اسلامی» را تأسیس کردند و به آموزش نظامی در دیگر مدارس دینی پاکستان پرداختند (ahmed, 2020). در زمان جنگ افغانستان، مدارس دینی نیروهای جنگی را تأمین می‌کردند. به این دلیل، مدیران آن، از طرف دولت پاکستان و از طرف دولت‌های خارجی، مورد حمایت مالی قرار می‌گرفتند (stephens and ottaway, 2002). در ۲۰۱۴م نیروهای جنگی سپاه صحابه که تعداد آن از سه هزار تا شش هزار بود، همه از مدارس دینی بودند و برای آمادگی به افغانستان آزاد بودند (shrma and behera, 2014: 244).

برنامه آموزشی و درسی مدارس دینی را مرکز مطالعات افغانستان دانشگاه نبراسکا آمریکا طراحی می‌کرد. کتب درسی پُر از عکس‌های نظامیان و تسلیحات بود (stephens, ottaway and washington post, 2002).

طلاب دینی مدارس دیوبندی که در سراسر کشور با کمک عربستان تأسیس شده‌اند، شیعه را کافر دانسته، به قتل می‌رساندند. مدارس دینی مانند دارالعلوم حقانیه، به دانشگاه جهاد تبدیل شده بود. آنان نه فقط در افغانستان در جنگ شرکت داشتند، بلکه در پاکستان شخصیت‌های مهم شیعه، افراد مشهور، دکترها، مهندس‌ها و کارمندان دولتی را به قتل می‌رساندند (sewag, 2015).

از دهه ۸۰ تاکنون، بر مدارس دینی نظارتی صورت نگرفته است (woaurdu, 2021). بعد از اتمام جنگ افغانستان، تا به حال دولت و ارتش برای اصلاحات مدارس دینی اقدامی انجام نداده است. احزاب سیاسی حاکم نیز برای حفظ رأی انتخاباتی خود، به این مهم دست نزده‌اند. مدارس دینی مانند جامعه حفصه در اسلام آباد، به طور علنی نظام سیاسی پاکستان را کفر اعلام کرده، به دنبال اجرای شریعت است. داعش، الگوی طلاب این مدرسه است. طلاب این مدرسه، به شکل رسمی از ابوبکر البغدادی برای سفر به پاکستان دعوت کرده بودند (dawnnews, 2015).

حکومت جدیداً برای اینکه مدارس دینی را رسمی کند، پنج وفاق المدارس جدید با رویکرد مذهبی و فرقه‌ای راه‌اندازی کرده است. البته قبل از این هم پنج وفاق المدارس فعال بوده اند (woaurdu, 2021). این کار، فرقه‌گرایی را در این کشور تشدید می‌کند. در مورد مدارس دینی پاکستان تا زمانی که اصلاحات جدی مانند: جلوگیری از آموزش‌های نظامی، آموزش‌های فرقه‌گرایانه و اصلاحات برنامه درسی اساسی صورت نگیرد، در پاکستان وحدت اسلامی تحقق نمی‌یابد.

۵. سوء مدیریت در مورد مهاجران افغان

مهاجران افغانی، در گسترش افراطی‌گری و خشونت مذهبی و فرقه‌ای در پاکستان نقش اساسی دارند؛ زیرا آنان با خود اسلحه و فرهنگ خشونت را آوردند. به دنبال حمله شوروی به افغانستان و اعلام جهاد توسط ضیاءالحق، چهار میلیون مهاجر افغانی به پاکستان هجرت کردند (bruce, 2001: 24). حضور آنان در پاکستان، موجب گسترش جرایم گردید و خریدوفروش اسلحه معمول شد. در نتیجه، مخالفان مذهبی خود را می‌کشتند؛ چون ۹۸ درصد دیوبندی بودند. در پاکستان، فرقه‌گرایی خونین راه انداختند. طبق عقیده آنان، شیعه مسلمان نبود و به این دلیل، به‌راحتی آنان را به قتل می‌رساندند. زمانی که عربستان برای جلوگیری از نفوذ انقلاب اسلامی ایران وارد میدان شد و مهاجران را مورد حمایت مالی قرار داد، کشتار شیعه شدت گرفت (ahmed, 2020).

در سال ۲۰۲۰م طبق آمار رسمی سازمان بین‌الملل امور مهاجران در پاکستان، یک‌ونیم میلیون مهاجر افغان حضور داشتند (unhcrpk.org, 2020). البته تعداد قابل توجهی از مهاجران افغان غیررسمی نیز وجود دارد. در اوایل، آنان در کمپ‌ها زندگی می‌کردند؛ اما گروه‌های جهادی و عناصر مذهبی و سیاسی، آنان را از کمپ‌ها بیرون آورده، وارد جامعه پاکستان کردند. به تعداد بسیاری از آنها شناسنامه پاکستانی داده شد و در نتیجه، آنان با آزادی کامل اسلحه حمل می‌کردند و حتی دولت هم متعرض آنان نمی‌شد. ارتش پاکستان به مهاجران افغان، آزادی همه‌جانبه داد؛ اما بعد از گذشت چند

شبیرو و مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۱۰۷

دهه، اکنون مجله رسمی ارتش همه تقصیرها را متوجه احزاب سیاسی می‌داند (yousafzai, hilal.org). سرتاج عزیز، یکی از مسئولان عالی‌رتبه دولت نوازشریف گفته بود: کمپ‌های مهاجر، برای تروریست‌ها به پناهگاه‌ها تبدیل شده‌اند. همچنین، وزیر دفاع، خواجه محمد آصف هم تأکید کرده بود که مهاجران افغان را باید به کشورشان فرستاد (south Asian voices, 2017).

مشکل اصلی در مورد مهاجران، نبود نظارت و سوء مدیریت است. هر وقت فاجعه‌ای رخ می‌دهد، مقامات دولتی می‌گویند مهاجران باید به کشورشان برگردند و نیروهای امنیتی هم مهاجرانی را که هیچ ارتباط با تروریست‌ها ندارند، اذیت می‌کنند؛ اما بعد از مدتی، قضیه فراموش می‌شود و گروه‌های مذهبی که مهاجران را برای اهداف تروریستی ابزار قرار می‌دهند، مورد بازجویی و پرسش قرار نمی‌گیرند. طبق گزارشی، از بین یک‌ونیم میلیون مهاجر افغان، ۷۵ درصد سواد ندارند. همین‌طور، ۷۸ درصد بیکار یا کارگر معمولی هستند و از امکانات ابتدایی زندگی محروم‌اند (حسین، ۲۰۱۹). مهاجران افغان، در راه تحقق وحدت اسلامی مانع جدی محسوب می‌شوند؛ چون آنان فرهنگ خشونت را بر فرهنگ بومی مردم ترجیح می‌دهند و عمده نیروی گروه‌های نظامی را تأمین می‌کنند. همین‌طور در مدارس دینی هم بیشترین تعداد طلاب از آنان است و تا زمانی که آنان از طرف دولت و نهادهای مربوطه مدیریت نشوند، در پاکستان وحدت مطلوب اسلامی اتفاق نمی‌افتد.

نتیجه

اختلافات و درگیری‌های خشونت‌بار فرقه‌ای و مذهبی در پاکستان، بیش از آنکه منشأ خارجی داشته باشد، ریشه داخلی داشته و عوامل سیاسی، بیش از عوامل دیگر در این جهت دخیل‌اند. سیاست‌های حاکمان نظامی و غیرنظامی پاکستان در چند دهه اخیر، موانع بسیاری در راه تحقق وحدت اسلامی ایجاد کرده و به گسترش اختلافات و منازعات مذهبی دامن زده است. نظامیان و سیاستمداران برای کسب قدرت و حفظ آن، و همچنین مشروعیت خود، همواره از مذهب استفاده ابزاری کرده‌اند. آنها برای این منظور، همواره گروه‌های شبه‌نظامی را که در فرقه‌گرایی‌ها و خشونت‌ها نقش داشته‌اند، مورد حمایت‌های خود قرار داده‌اند. شواهد تاریخی و مواضع حاکمان پاکستان در گذشته، به خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌هایی مانند: استفاده ابزاری از مذهب، پشتیبانی مالی و نظامی از گروه‌های تندرو، هویت‌سازی فرقه‌ای، فقدان نظارت بر مدارس دینی و سوء مدیریت در مورد مهاجران افغان، نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش اختلافات فرقه‌ای مذهبی در پاکستان داشته است. بنابراین، تا زمانی که نظامیان و سیاستمداران سیاست‌های خود را در باره مذهب تغییر ندهند، در پاکستان وحدت اسلامی مطلوب محقق نمی‌شود. حکومت باید با گروه‌های شبه‌نظامی که در خشونت‌گرایی نقش دارند، برخورد جدی کند. برای تحقق وحدت اسلامی، نظارت بر مدارس دینی لازم است. همچنین، برنامه‌های درسی مدارس باید اصلاح شود تا این مراکز دینی، خشونت و فرقه‌گرایی‌ها را در جامعه گسترش ندهند.

منابع

الف. فارسی

۱. رحمان، نجفی سیار و علی پور، عباس (۱۳۹۲)، «کشتار سازمان یافته شیعیان در پاکستان: علل، اهداف، بازیگران»، فصل نامه آفاق امنیت، سال ششم، ش ۲۰.
۲. کاظمی، آصف و فراتی، عبدالوهاب (تابستان ۱۴۰۱)، «بررسی انتقادی موانع همگرایی در یک قرن اخیر جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۲۲.
۳. مسعودنیا، حسین و نجفی، داود (پاییز ۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، فصل نامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، ش ۸: ۸۳-۱۱۶.
۴. مقدم، احسان؛ رستگار، پرویز و قاسم پور، محسن (تابستان ۱۴۰۰)، «تاریخچه شکل گیری، اصول رفتاری و مبانی مشترک جریان های تکفیر معاصر»، فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۱۸.
۵. نصر، ولی (۱۳۸۶)، «ارتش، اسلام گرایی و دموکراسی در پاکستان»، مترجم: معصومه انتظام، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۳۸.

ب. اردو

۱. ترمذی، سید احمد ارشاد (۲۰۰۴)، حساس اداری، مترجم: افضال شاهد، زاهد بشیر پرنترز لاهور.
۲. مسعود، وجاهت (۲۰۰۹)، طالبان یا جمهوریت پاکستان دور راه پر، نگارشات پبلشرز لاهور.
۳. وسایا، الله (۲۰۰۰)، پارلیمنٹ مین قادیانیوں کی شکست، علم و عرفان پبلشرز.

ج. انگلیسی

1. Abbas Hassan (2015), Pakistan's drift in to extremism: Allah, the Army, and America's war on terror, published routledge new York USA.
2. Abbas, azmat (2002), sectarianism: the palyers and the game, Lahore, south Asia partnership.
3. Abbas, Hassan (2010), sectarianism in Pakistan.
4. Ahmed javaid Iqbal (2020), terrorism In the name of religion in Pakistan: origin, development&its impacts, researchgate.net.

5. Akram ullah, frman ullah (2017), Analytical of selected urdu books about intra-faith unity in pakistan, jirs, vol: 2, p. 131-142.
6. Amir mir (2012), blood flows freely in Pakistan, Asia times, 5 october, 2011 as reproduction of exclusivist sectariandiscourse, university of bradford.
7. Burky, javed shahid (1991), Pakistan under the miltiry eleven years of zia al haq, Lahore: westview press.
8. Haqqani Hussain (2005), Pakistan: between mosque and military, Washington, dc: Carnegie endowment for international peace: brookings institution press.
9. hassan, h.from the pulpit to ak-47: sectarian conflict in jhang, pakistan. pakistan journal of history and culture, vol: 32, no, 2.
10. Jazab rehman khan (2021), spread of religious hatred through digital media in Pakistan: the case of tehreek-e-labbiak Pakistan, jmc journal of media and communication studies v, 1, 1 jannury.
11. Kunal Mukherjee (2010), Islamic revivalism and politics in contemporary Pakistan, jurnal of developeg societies, 26, no3, pp 329-353.
12. Lieven, anatol (2012), Pakistan a hard country, public Affaires new york.
13. Muhammed amir rana (2003), gateway to terrorism, London: new millennium publication.
14. Mumtaz, ahmed (2003), shi political activisim in Pakistan, studies in contemporary islam, 5, no1-2spring and fall.
15. Nasar syed vali raza (1999), sectarianism and shia political in Pakistan, 1979-present.in: cemoti, n28, turquie Israel, pp 311-323.
16. Noman.umer (1988), the political economy of Pakistan.1947-1985. london, Kegan paul international.
17. Pervez hoodbhoy official youtube channel (2020), why does Pakistan need religious fanticks now? interview with dr aesha siddiq, pp 5-12.

شبیرو مهدی نژاد: موانع سیاسی داخلی تحقق وحدت اسلامی در پاکستان... ۱۱۱

18. (2008) pinault. d. notes from the fortune parrot-islam and the struggle for religious pluralism in Pakistan, lodonequinox publishing.
19. Rana, Muhammad amir (2011), A to Z of jihadi organization in pakistan, mashal books lahore.
20. Rana, muhammed amir (2018), Pakistan0based militant groups & prospects of their reintegration: a structural analysis, mantraya occasional paper v6, 12 march.
21. Rana, muhammed, amir, evolution of militant in pakistan.
22. Riikonen, katjabeyond the sipahs, jaishs and lashkars sectarian voilance in Pakistan.
23. Sabat, ahmed; muhammed shoaib, religious populism in Pakistani Punjab: how khadam rizvis tehreek-e-labbaik Pakistan emerged, iasr, vol, 23, pp 365-381.
24. Saima naz, lubna kanwal (2022), civil-militry relations in Pakistan. 2008-2013. jrsvol, 59, no, 1, (jan-march).
25. Seva, Iqbal singh (2018), the rise of barelvi political activism in Pakistan, isas insights no, 520, 13-october.
26. Sewag, zulqarnain (2015), sectarian rise in Pakistan: role of saodi arabia and iran, south asia journal of multidisciplinary studies, frbruary, vol, 1, no, 3.
27. Surinder k sharma and anshumanbehra (2014), militant groups in south asia, institute for defestudies & analyzed new delhi, pentagon press.
28. talbot. l (2005), understanding relogous violence in contemprar.
29. Yousaf, huma (2012), sectarian violence: pakistan's security threat? noref, Norwegian peacebuilding resorce center.
30. Zahra, naseem (2018), from kargil to the coup, event that shook Pakistan.

د. اینترتی

1. <https://www.hilal.gov.pk>.
2. <https://www.thenews.com.pk/print/163506-Musharraf-admits-to-untaxed-Rs1-bn-in-foreign-accounts>.

3. <https://jang.com.pk/news/825334>.
4. <https://www.dawnnews.tv/news/1014951>.
5. <https://www.bbc.com/urdu>.
6. <https://www.humsub.com.pk/298510/syed-mujahid-ali-1362>.
7. <https://www.urduvoa.com/a/new-boards-of-religious-seminaries-in-pakistan-26mar2021/5826600.html>.
8. <https://www.independenturdu.com>.
9. <https://southasianvoices.org>.
10. <https://nayadaur.tv/2020/09/long-live-yazeed-slogans-chanted-at-extremists-rally-in-karachi>.
11. <https://foreignpolicy.com/2015/05/13/what-pakistan-knew-about-the-bin-laden-raid-seymour-hersh>.
12. <https://www.humnews.pk/latest/182870>.
13. <https://www.crisisgroup.org/asia/south-asia/pakistan/islamic-arties-pakistan>.
14. <https://www.washingtonpost.com/archive/politics/2002/03/23/from-us-the-abc-of-jihad/d079075a-3ed3-4030-9a96-0d48f6355e54>.
15. <https://unhcrpk.org/wp-content/uploads/2020/09/Pakistan-Fact-Sheet-August-2020.pdf>.
16. https://news.com/ur/articles/cnmi_pf/features/2018/10/05/feature-02.
17. <https://lubpak.net/archives/19450>.
18. <https://www.dawn.com/news/1288350/exclusive-act-against-militants-or-face-international-isolation-civilians-tell-military>.
19. <http://www.mei.edu>.
20. <https://www.dawn.com/news/760219/hamidgul-accepts-responsibility-for-creating-igi>.
21. <https://www.jstor.org/stable/41394475>.
22. <https://www.ratical.org/ratville/CAH/USjihadABCs.pdf>.